



حکایت مردمان قوریانگه‌ای

سے-سے آریو (واحد پژوهش فرهنگ سایبرنتیک)



سی سی آر یو

(واحد پژوهش فرهنگ سایبرنتیک)

حکایت مردمان قورباغه‌ای

ترجمه پیمان غلامی

dastopaa.net

خیلی وقت پیش – و به گفته‌ی برخی خیلی زود – بوبامو^۱ در جستجوی اولین مردمان قورباغه‌ای راهی سفر شد. او به قدری تا گذشته‌ها عقب رفت که حتی لموریا هم هنوز ظهور نکرده بود، ولی مردمان قورباغه‌ای همچنان وجود داشتند، قورقور می‌کردند و می‌خندیدند.

گرچه خیلی خسته بود، و به‌نظر داشت چنان جوان می‌شد که می‌توانست اندکی مثل قورباغه‌ها ورجه‌وورجه کند، به سفرش ادامه داد. عاقبت به جایی رسید که دیگر خشکی وجود نداشت، و شروع کرد به شناکردن. این برایش شانس آورد، چون پاهایش کاملاً آب رفته بودند و فقط دمش باقی مانده بود. جدا از اینکه چه قدر به عقب‌ترها رفته بود مردمان قورباغه‌ای باز به پیشوازش رفتند، بیشتر از قبل می‌خندیدند، که در واقع برای بعدترها بود، یا این‌طور به نظرش رسید.

به قدری بابت سن مردمان قورباغه‌ای گیج شد که بلند صدایشان زد: «بهم بگین، چرا اینجاین، توو این دریای بی‌کران، بدون خشکی که روش ورجه‌وورجه کنین یا هوایی که باهاش قورقور کنین، اصلا برام معنی نداره!»

مردمان قورباغه‌ای به خندیدن ادامه دادند، و به دوردست اشاره کردند، جایی که هیکلی داشت از سمتی دیگر به‌شان نزدیک می‌شد. این خود بوبامو بود – چه حیرت‌انگیز پیر شده بود – و هر قدر که می‌توانست مردمان قورباغه‌ای را با خودش حمل می‌کرد. با خودش فکر کرد: «چه کلک بچگانه‌ای به خودم زد. باید کل زمان رو از یه مسیر دیگه سفر کرده باشم و مردمای قورباغه‌ای رو با خودم آورده باشم. چرا هیچ وقت یاد نمی‌گیرم؟!»

بوبامو آن‌وقت دیگر خیلی پیر بود، و همین‌طور خیلی جوان، که مُرد و توأمان زاییده نشده بود، و برای لحظه‌ای فقط مردمان قورباغه‌ای وجود داشتند. دست کم، مردمان قورباغه‌ای همیشه همین را گفته‌اند.

۱. Bubbamo؛ پرسوناژی مفهومی در آثار سی‌سی‌آریو که بابل یا پایتخت زمان دروغین را در دریا غرق می‌کند و زنجیره‌ی زمان تقویمی را می‌گسلد؛ ستاره‌سان است و معادل با فرشته‌ی عزازیل؛ با حرکت به سوی دکدانس یا زوال، فروپاشی، و فساد زبان واحد، زمان گاه‌شناختی، و جهان تک‌خدایی برابر است؛ به پس از بابل اشاره دارد؛ در متن با ضمائر مونث نامیده می‌شود؛ دیو حیات زیردریایی روی خشکی‌ست؛ در زمره‌ی حشاشین آبی آتلاتتیس سیاه. م.